

روزشمار

یکشنبه

۱۳۵۸/۲/۳۰

۲۳ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۲۰ مه ۱۹۷۹

۱۴۸

امروز جلسه‌ای با حضور فرماندار خرمشهر، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی، نمایندگان پاسداران اعزامی از تهران و نمایندگان جریان‌های مختلف شهر تشکیل شد تا بر آخرین مهلتی که برای تخلیه‌اماکن دولتی و خلع سلاح عمومی در خرمشهر، تعیین شده است، تاکید شود. طبق اعلامیه‌های فرمانداری و پس از صدها ساعت بحث و گفت‌وگو، قرار شده است که در روز دوشنبه ۵۸/۲/۳۱ (آخرین مهلت) کلیه ساختمان‌هایی که کمیته‌ها، شوراها، کانون‌ها و سازمان‌ها جهت فعالیت‌های سیاسی تصرف کرده‌اند به شهرداری تحویل شود و تا جمعه ۱۳۵۸/۳/۴ همه گروه‌ها و مردم اسلحه غیرمجاز خود را به ارتش تحویل دهند.

در جلسه یادشده - که چهار ساعت طول کشید - محمدرضا علوی فرماندار خرمشهر گفت: عده‌ای نفاق افکن جهت پیشبرد اهداف پلید خود مسئله عرب و عجم را ساز کردند به خیال آن که از آشوب و درگیری مردم در این نقطه حساس همچون زمان طاعوت سود ببرند. من عناصر تفرقه افکن را شدید محکوم می‌کنم و یقین دارم این افراد دیر یا زود در محکمه عدل اسلامی محاکمه و مجازات خواهند شد. فرماندار خرمشهر لزوم تخلیه ساختمان‌ها را یادآور شد و بر اجرای مفاد سه اعلامیه صادره از فرمانداری تاکید کرد و آن را به نفع همه دانست.

بعد از جلسه مزبور، "سازمان سیاسی خلق عرب" اطلاعیه‌ای با مضمون رد مطالب یادشده منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است: اصولاً در خوزستان هیچ گونه پادگانی متصرف نشده است و اسلحه ارتشی که در دست بعضی از افراد است از طرف خود ارتش در اختیار مردم قرار داده شده است و مابقی اسلحه که بیشتر کمری است توسط خود مردم خریداری شده است. چنانچه دستورالعمل دولت در سراسر کشور اجرا نشود، ما حاضر به تحویل سلاح نخواهیم بود. در مورد تخلیه‌اماکن، شدید مورد اعتراض ماست چون باز هم این دستورالعمل دولت، اول باید در مرکز اجرا شود. ما دستورالعمل‌ها و اعلامیه‌های دولتی را که سایر کانون‌ها و کمیته‌ها حاضر به اجرای مواد آن نشده‌اند، نمی‌پذیریم. در پایان اطلاعیه سازمان سیاسی خلق عرب، از کلیه گروه‌های

خلق مسلمان عرب دعوت شده است که روز دوشنبه ۵۸/۲/۳۱ در محل سازمان سیاسی حضور یابند .

علی‌رغم مواضع فوق ، مسولان شهر مصمم به اجرای مواد یادشده هستند . در همین چارچوب ، شب هنگام فرماندار خرمشهر در پاسخ به سوال خبرنگار کیهان تاکید کرد : پاسداران انقلاب ، گروه‌های ضربتی افراد ورزیده ارتش از کلیه نقاط شهر و مراکز حساس و منطقه در تمام مدت ۲۴ ساعت پاسداری می‌دهند . نفاق افکنی و لجبازی به نفع کسی نخواهد بود . (۱) استاندار خوزستان نیز در این باره گفت : نیروهای دولتی دستور دارند هر کسی را که از تحویل سلاح خودداری کند ، بازداشت کنند . وی افزود : کسانی که از تحویل سلاح‌های خود ، خودداری کنند می‌باید مجازات شوند . دریادار مدنی اضافه کرد : ما علیه‌امپریالیسم مبارزه می‌کنیم و واکنش امپریالیسم امری طبیعی است . وی گفت : خوزستان برای از سر گرفتن برنامه عمرانی خود به امنیت نیاز دارد . (۲)

۱۴۹

به گزارش مطبوعات ، درحالی که اعتصاب کارگران شرکت “ایران ترمینال” خرمشهر و تعطیلی کار بندر وارد پانزدهمین روز خود شده است ، دکتر “مدنی” استاندار خوزستان در گفت و گویی با نمایندگان کارگران حقانیت آنان را در مورد خواسته‌هایشان مسلم دانست و قرار شد یکی از معاونان استانداری جهت رفع مشکلات کارگران به تهران اعزام گردد . از طرفی قرارداد شرکت ایران ترمینال خرمشهر - که پیمانکار بخش خصوصی اداره بندر خرمشهر می‌باشد - در تاریخ اول خرداد امسال به اتمام می‌رسد . به نوشته کیهان ، خواسته کارگران ابتدا این است که زیرپوشش اداره بندر قرار گیرند تا به سرنوشت ۱۸۰۰ نفر و خانواده آنان لطمه وارد نگردد . در حال حاضر به علت اعتصاب این کارگران صدها دستگاه کامیون به مدت ۲۰ روز است در خرمشهر به انتظار بارگیری ایستاده‌اند و کالا از بندر خارج نمی‌شود . (۳)

۱۵۰

در گزارشی که امروز نماینده دفتر هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اهواز برای این دفتر ارسال کرده است ، ضمن بررسی سه عامل موثر در وضعیت کنونی خرمشهر ، نوع رابطه بین جریان‌های قومی و شیخ شبیرخاقانی و اهداف آنها از به راه‌اندازی جریان قومی عرب در منطقه ، مورد بررسی قرار گرفته و راه حل‌هایی برای جلوگیری از بحرانی تر شدن اوضاع شهر پیشنهاد شده است . در گزارش آمده است : عوامل موثر در خرمشهر به ترتیب ذیل هستند :

الف - “ شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی ” : این فرد از نظر علمی از علمای دیگر خرمشهر بالاتر است ، ولی آدمی است که به دلیل این که خود را بالاتر از همه علمای قم و نجف می‌داند از جمله امام خمینی ، لذا رهبری جنبش را شایسته خود می‌داند و نیز نسبت به امام خمینی حسادت دارد . نکته مهم آن است که گرفتار قدرت طلبی و رهبری طلبی شده است و به یک امتیاز یا یک حدی از قدرت ارضا نمی‌شود و هر امتیازی حکم پله‌ای برای دسترسی به امتیاز دیگر

دارد، از این نظر دادن هر امتیاز به وی اشتباه محض است.

شیخ خود را مخالف تجزیه طلبی می‌داند و در برخورد چنان از این موضع خود سخن می‌گوید که آدم باور می‌کند که واقع در برابر تجزیه طلبی ایستادگی کرده است، در صورتی که با حرف زدن خود با تجزیه طلبان مسئله تجزیه طلبی را به حق طلبی آنان تبدیل کرده؛ یعنی اگر این افراد تجزیه را عنوان می‌کردند توسط خود مردم سرکوب می‌شدند. ولی الان در لباس حق طلبی، مردم به ویژه عشایر را تحت نفوذ مذهبی شیخ، به دنبال خود می‌کشاند؛ به عبارت دیگر شیخ آلت دست تجزیه طلبان شده است.

شیخ در مردم شهر خرمشهر چه عرب و چه عجم نفوذ زیادی ندارد تنها نفوذ وی در عشایر خرمشهر - نه خوزستان - [است] که این نفوذ هنوز فعال نیست ولی واقعه ۵۸/۲/۲۳ [حمله به کانون نظامی - فرهنگی جوانان مسلمان خرمشهر] مخالفت اکثر مردم خرمشهر اعم از عرب و عجم را برانگیخته، همچنان که در تحصن فرمانداری و اعتصاب محصلین مدارس و اجتماعات مساجد کاملاً بارز و آشکار است و موقعیت اجتماعی نامبرده به نحو چشم‌گیری تضعیف شده است.

ب - یکی دیگر از عواملی که باعث به وجود آمدن وضعیت جدید خرمشهر شده، سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان یا "منظمه السیاسیه الشعب العرب الخوزستان" است که اخیر به سازمان سیاسی خلق عرب مسلمان خوزستان مبدل شده است. این سازمان از تیپ‌های مختلفی ساخته شده که عبارتند از: ۱ - شیوخ عشایر عرب؛ ۲ - تجزیه طلبان؛ ۳ - لات‌ها (لومپن‌ها)؛ ۴ - کمونیست‌ها (که ضعیف هستند).

شیوخ عرب - که رهبران عشایر هستند - عمدت ساواکی بوده و در خدمت رژیم طاغوتی بودند. یکی از آنها "مکی فیصلی" چند دوره [پیش از انقلاب] به اصطلاح نماینده خرمشهر در مجلس شورا و رهبر چماق به دستان خرمشهر بوده است. اینان - که رهبران ۴ یا ۵ عشیره بیشتر نیستند - برای گریز از مجازات و نیز حفظ منافع و موقعیت اعطایی در زمان طاغوت و به دست آوردن امتیازات جدید، دست به تشکیل این سازمان زده‌اند. همکاران اصلی آنان تجزیه طلبان هستند که اغلب آنها از خارج به ویژه عراق، سوریه و لبنان آمده‌اند. این گروه قصد دارد از طریق گرفتن خودمختاری در نتیجه تضعیف دولت در این منطقه و نیز زنده کردن احساسات قومی عربی، مقدمات تجزیه را در آینده فراهم کنند. این دسته اخیر - که بعضی نیز هستند - علی‌رغم تضادشان با شیوخ عرب، در رابطه با هدف مرحله‌ای خود با آنها به وحدت رسیده‌اند. چون بیشتر امکانات مردمی و مالی و اعتباری آنها از آن شیوخ است در نتیجه فعلاً رهبری در دست آنهاست. در کنار این دو دسته، عده‌ای لات و چاقوکش و لومپن به طور ثابت در سازمان سیاسی هستند که بی شعور و کور و متعصب به عربیت و وحشی هستند که پاسداری و کارهای عملی و اجرایی بر عهده آنهاست. سازمان سیاسی در مردم عرب شهری به دلیل این ساختن نفوذی ندارد و مردم به آنها خوشبین نیستند و تکیه آنها بر عشایر است که البته از

پشتیبانی امیدوار کننده‌ای برای خود آنها، برخوردار نیستند و اگر دولت به فوریت به وضع عشایر رسیدگی نکند، سازمان سیاسی با زنده کردن حس قومیت و سپس بدبینی به دولت - با توجه به فقر آنها- و با کمک شیخ محمد طاهر در آنها نفوذ می‌کنند و هرگونه امتیازی که به سازمان سیاسی داده شود، باعث تثبیت هرچه بیشتر آنها میان عشایر عرب است.

ج - یکی دیگر از عوامل، "المركز الثقافی العربی" یا کانون فرهنگی عرب است که مرکزیت آن را مارکسیست‌ها تشکیل داده‌اند و گفته می‌شود که سه تن بعثی وارد مرکزیت آن شده‌اند. این مرکز پایگاه توده‌ای ندارد و اتفاق مارکسیست بودن، نقطه ضعف آن در میان مردم است، حتی دانش آموزان عرب را نیز نتوانسته جذب کند با این که یک مرکز به اصطلاح روشنفکری است. نقطه ضعف دیگر آن، توافق با سازمان سیاسی است که از شیوخ عرب (ساواکی و اشراف) است. اهداف اصلی این مرکز، تضعیف دولت در منطقه، نفوذ در مردم و تبلیغ مارکسیسم است و تکیه بر فرهنگ عرب و زنده کردن این حس قومی و پشتیبانی از خودمختاری، همه در جهت اهداف اصلی آنهاست.

این دو گروه (سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب) در جهت اهداف مرحله‌ای خود، شیخ را چماق و سنگری قرار داده‌اند و شیخ هم در جهت ارضای حس قدرت طلبی خود با آنها کنار آمده است. نکته مهم آن است که برخلاف ظاهر، رهبر این گروه‌ها شیخ محمد طاهر نیست و قادر به کنترل آنها نمی‌باشد. یک بار هنگامی که از عملکردهای سیاسی المراكز الثقافی العربی به شیخ شکایت بردیم، شیخ گفت: "لا رای لمن لا یطاع" (کسی که اطاعت نمی‌شود چه سیاست و فرمانی دارد). اطاعت ظاهری این مراکز از شیخ به خاطر اهداف مرحله‌ای شان است.

یکی دیگر از مسائل مهم، مسئله باز بودن مرزها تحت پاسداری از مرزها توسط عشایر است [یعنی همین گروه‌های ضدانقلاب به اسم عشایر عرب پاسداری از مرزهای منطقه را به عهده گرفته‌اند تا برای کارهای ضدانقلابی شان باز باشد]. و این به معنی سیل ورود اسلحه، قاچاق و وسایل دیگر است و نیز روابط باز رفت و آمد مردم و نیروهای انسانی به ویژه نیروهایی در رابطه با مسائل سیاسی منطقه است. البته چون مسائل منطقه برای دولت عراق نیز حائز اهمیت و مطلوب است، از این نظر کنترل مرزها اهمیت اساسی دارد. اخیر در مورد آموزش نظامی افراد سازمان سیاسی اخباری به گوش رسیده است.

بالاخره باید توجه نمود که آنچه در خرمشهر می‌گذرد مربوط به خلق عرب نیست بلکه مربوط به توطئه گری دو مرکز سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب با همکاری شیخ است در جهت منافع خود.

پیشنهادهات:

- ۱ - گرفتن مرزها از دست عشایر و جایگزین کردن ارتش در مرزها.
- ۲ - خلع سلاح عمومی و انحلال و تعطیل کردن کلیه مراکز سیاسی - نظامی - فرهنگی موجود در خرمشهر. دولت باید آنچه را که در خرمشهر اتفاق افتاده بهانه قرار دهد و روی این

موضوع پافشاری کند .

۳ - رسیدگی فوری در جهت پیاده کردن طرح‌های رفاهی سریع و کوتاه مدت و دراز مدت در روستاها و عشایر .

۴ - قدرت نمایی دولت از طریق دستگیری عده‌ای از مفسدین فی الارض عرب و عجم خرمشهر که چهره‌های شناخته شده‌ای هستند و نیز در جهت تضعیف شیخ .

۵ - منزوی ساختن شیخ از کلیه جناح‌ها به ویژه جناح‌های سیاسی غیراسلامی و به ویژه از طریق آوردن شیخ به قم .

۶ - از هرگونه بزرگ سازی شیخ در افکار عمومی و نیز در ذهن خود شیخ جلوگیری شود .

۷ - جلوگیری از طرح خواسته‌های خلق عرب از دهان افراد غیرصالح و اشتباه نگرفتن خلق عرب با اقلیت فرصت طلب . «

در ادامه گزارش ، درباره « کانون فرهنگی و نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر » نیز مطالب و اطلاعاتی نوشته شده است ، از جمله :

« این کانون توسط گروهی از جوانان عرب و عجم خرمشهر که دارای سابقه مبارزاتی ضد طاغوتی هستند تشکیل شده است و حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد افراد کانون را جوانان عرب تشکیل می‌دهند . کانون در چهار بعد فعالیت می‌کند :

۱ - سیاسی : کانون در جهت روشنگری مردم و تضعیف پایگاه‌های عناصر ضدانقلاب و فرصت طلب برنامه‌هایی نظیر سخنرانی‌ها یا دادن اعلامیه ، راهپیمایی در تایید رهبری امام و تقویت دولت موقت و اخیر پشتیبانی از « تیمسار مدنی » و « امامزاده » رئیس آموزش و پرورش خرمشهر ترتیب داده است . اعلامیه‌های خود را به زبان عربی و فارسی و شعارهای خود را نیز به زبان فارسی و عربی منتشر نموده است .

در این اواخر کانون بخش عربی به نام « المرکز الثقافی العسکری للنوار المسلمین » که همان ترجمه (کانون فرهنگی ...) است را تشکیل داد که از برنامه‌های آن تهیه یک برنامه تاتر به زبان عربی و نیز ترجمه متن اسلاید سیر انقلاب اسلامی ایران به زبان عربی بود ؛ کاری موثر که حتی مراکز عربی نظیر سازمان سیاسی « المرکز الثقافی العربی » چنین اقدامی نکرده بودند .

۲ - ایدئولوژیک : تکیه اصولی کانون بر ایدئولوژی اسلامی است ، از این رو در کلیه برنامه‌های آن ، تکیه بر محتوای اسلام است و کوچک‌ترین گرایش قومی مبتنی بر عربی یا عجمی و یا دال بر تحقیر یا تعظیم هیچ کدم در میان نیست .

۳ - برنامه اقتصادی : کانون در جهت ایجاد گرایش و خوش بینی نسبت به دولت موقت انقلاب اسلامی در نتیجه تضعیف پایگاه‌های ضدانقلاب - که طبع می‌کوشند بدبختی فقر مردم را نیز انگیزه گرایش به ضدانقلاب و گرایش‌های ضد دولتی قرار دهند - اقداماتی را انجام داده است ؛ از جمله مسئولیت اجرایی ، دادن وام بیکاری در منطقه را عهده دار شده است و نیز اخیر با تهیه لیستی از مستضعفین و تهیه پول برای این کار از طریق باز کردن یک شماره حساب و تماس با

روحانیون و بازاریان و تجار مومن و توانا و بالاخره تماس فعال با دولت انقلاب ، اقداماتی در این مورد کرده است .

۴ - برنامه نظامی : کانون فرهنگی - نظامی با توجه و آگاهی از توطئه‌های ضدانقلاب به ویژه در مناطق مرزی و با توجه به وضعیت روانی ارتش ، وظیفه خود دانست که برای دفاع از میهن انقلاب اسلامی آمادگی‌های نظامی را کسب کند و در همین رابطه هم با دولت و هم در رابطه با سپاه پاسداران بوده‌اند (اگرچه در این رابطه مستقیم امکاناتی در اختیار کانون ننهاده بود) . کانون براساس مسئولیت اسلامی خود امکاناتی تهیه و آموزش‌هایی به اعضا خود داده است .

در مجموع ، کانون به عنوان پایگاهی براساس اعتقادات اسلامی ، بزرگترین مانع رشد و توسعه طلبی و توطئه‌گری ضدانقلاب در منطقه خرمشهر بوده و دشمنی ضدانقلاب با آن ، نشانه آن است که وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد . کانون در این راه توانسته است پشتیبانی مردم مسلمان خرمشهر اعم از عرب و عجم و نیز دانش آموزان دبیرستان و دانشجویان دانشکده خلیج فارس خرمشهر را در جهت اهداف خدایی خود جلب نماید . « (۴)

۱۵۱

شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد در سر راه خود از تهران به مهاباد وارد سنندج شد و برای مردم سخنرانی کرد . وی گفت : « اساس دین در نظر ما محکم است و در مقابل هیچ قدرتی دین را از دست نمی‌دهیم اما چون خودمختاری نداریم ، آن را طلب می‌کنیم . » پس از سخنان عزالدین حسینی اجتماع حاضر به صورت راهپیمایی و دادن شعار به نفع وی درآمد . در پی این راهپیمایی ، گروه انبوهی از طرفداران « علامه مفتی‌زاده » که شاهد راهپیمایی بودند به عنوان اعتراض با برافراشتن پرچم سبز لاله‌الله دست به راهپیمایی زدند و شعارهایی به نفع اسلام و مفتی‌زاده و نیز شعار مرگ بر کمونیزم سردادند . طرفداران مفتی‌زاده درحالی که همچنان شعار می‌دادند خواستار خروج شیخ عزالدین حسینی از سنندج شدند و صدای شلیک چند گلوله نیز شنیده شد . درحالی که هر لحظه‌امکان برخورد دو گروه وجود داشت ، فواد روحانی یکی از اعضای شورای یازده نفری شهر سنندج به میان مردم رفت و با سخنان خود طرفداران مفتی‌زاده را به آرامش دعوت کرد . در پی سخنان عضو شورای یازده نفری ، طرفداران مفتی‌زاده و عزالدین حسینی به اجتماع خود پایان دادند . عزالدین حسینی پس از خروج از سنندج وارد سقز شد و در استادیوم ورزشی این شهر در اجتماع مردم گفت : « اگر وعده‌ها عملی شود ما به حق خودمختاری خود خواهیم رسید ... برای رسیدن به خودمختاری باید متحد باشیم و از اختلافات و بدگویی پرهیز کنیم . » (۵)

گزارش کیهان در این باره حاکی است که عزالدین حسینی از طرف مردم سقز و بانه و حومه - که بیش از ۵۰ هزار نفر برآورد شده‌اند - مورد استقبال باشکوه قرار گرفت . استقبالگران تا چهار کیلومتری مسیر ورود عزالدین حسینی را با گل‌های رنگارنگ و فرش تزیین کرده بودند . عزالدین حسینی در استادیوم شهر سقز در مورد تعیین حق سرنوشت توسط کردها سخنانی ایراد کرد و از

قول امام خمینی و دولت موقت انقلاب اسلامی ایران به کردستانی‌ها وعده داد که بزودی حق تعیین سرنوشت داخلی به اهالی کردستان داده خواهد شد. (۶)

۱۵۲

در پی تصفیه عناصری از روزنامه کیهان، نیروهای مومن به انقلاب اسلامی در این روزنامه، اقدام به افشاگری در مورد عناصر مزبور کردند؛ از جمله در این روز مطلبی تحت عنوان "از مطالب سانسور شده در وقایع سنندج" به چاپ رسید که در آن آمده است: «در شماره‌های ۲۸ و ۲۹ اسفندماه ۵۷ روزنامه کیهان درباره شهادت "محمد رحمان پور" و فرزندش "حشمت رحمانپور" [مطالبی چاپ شد] که متأسفانه به علت وجود افرادی در روزنامه کیهان حقایق به صورت وارونه جلوه داده شده بود که همان روز چاپ این مطلب مورد اعتراض گروه کثیری از مردم مسلمان و مبارز سنندج و کرمانشاه قرار گرفت. با این که روزنامه کیهان در شماره‌های بعدی خود در این مورد توضیحی هم چاپ کرد اما این مسئله عذر بدتر از گناه بود چرا که بار دیگر خوانندگان را نسبت به این روزنامه بدبین کرد. اینک که محیط روزنامه کیهان پاکسازی شده است اکنون این مسئله برای کارکنان این روزنامه روشن شد که حقایق به گونه دیگری بوده است.

"شاطر محمد رحمانپور" و پاسداران انقلاب کمیته‌امام در روز ۵۷/۱۲/۲۷ مورد محاصره ضدانقلابیون قرار گرفتند و عوامل رژیم [شاه] که در "ژیان زرد رنگ" بودند به طرف مردم تیراندازی و موجبات اغتشاش را فراهم نمودند. نتیجت در ساعت ۲ بعداز نیمه شب تیری به کتف و در ساعت ۶ صبح تیر دیگری به دهان شاطر محمد اصابت کرد که پاسداران انقلاب او را راهی بیمارستان نمودند. ضدانقلابیون در مقابل کمیته یک نفر پاسدار را به ضرب گلوله و حشمت رحمانپور را با ضربات ساطور و قمه به شهادت می‌رسانند و به این هم اکتفا ننموده و به بیمارستان هجوم برده و در اتاق عمل شاطر محمد را به رگبار می‌بندند. این مجاهد شهید به نظر مردم متدین و مبارز سنندج از سی سال پیش فعالیت‌های مذهبی در بزرگداشت شعائر اسلامی داشته و در جریان انقلاب به همراهی مردم مسلمان سنندج از فعالانی بوده که برای پیروزی انقلاب از هیچ کوششی مضایقه نداشته و کرار مورد آزار مقامات ساواک قرار گرفته و به دفعات زندانی شده و مغازه اش [راه همراه] با حسینیة سنندج - که بارگاه امید او بود - در ششم بهمن ۵۷ به آتش کشیدند. شاطر محمد از مردان متدین و با ایمانی بود که مورد توجه خاص آیات عظام و مراجع تقلید بود. در مجالس ختم متعددی که در کرمانشاه برای این دو شهید بزرگوار برگزار گردید پاسداران انقلاب فریاد می‌زدند: "محمد رحمانپور مجاهد شهید، یاسر عرفات منطقه خود بوده است. ما راه او را ادامه می‌دهیم." و کیهان نیز گرامی می‌دارد یاد این دو شهید مبارز را که با نثار خون خود نهال آزادی را بارور کردند. « (۷)

از دیگر موارد سانسور شورای سردبیری برکنار شده کیهان، کاریکاتورهای مذهبی - انقلابی آقای جواد علیزاده بوده است؛ از جمله: کاریکاتور استاد شهید مطهری با مضمون "معلم شهیدم راهت ادامه دارد."، کاریکاتور "وحدت مردم حول محور الله اکبر" و نیز کاریکاتور "طلوع فجر

انقلاب با الله اکبر و فرار شاه .

جواد علیزاده در اطلاعیه‌ای که در روزنامه کیهان به چاپ رسید در مورد سانسور کاریکاتورهای مذهبی - انقلابی خود نوشت : « این جانب جواد علیزاده طراح و کاریکاتوریست کیهان با ارائه کارهای زیر قصد دارم خط مشی شورای سردبیری را که همیشه دم از بی طرفی می‌زند و خود را حامی انقلاب اسلامی ایران می‌داند مشخص کنم و تاکید می‌کنم که این عمل هیچ ربطی به وضع فعلی و اخراج ۲۰ نفر مذکور ندارد . شورای سردبیری کیهان از بعد از انقلاب تنها طرح‌های غیرمذهبی و ضدامپریالیستی مرا به چاپ رسانده است و این عمل آنها باعث شده که من مجبور شوم طرح‌های مذهبی خود را در نشریات دیگر به چاپ برسانم و گویی شورای سردبیری این موضوع را دست آویز قرار داد و قصد داشت که ضمن خارج کردن من از دور ، یکی از کاریکاتوریست‌های چلنگر را به جای من بگمارد . » (۸)

۱۵۳

آیت الله « صادق روحانی » در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی به سوالات مختلف آنان پاسخ داد . وی که قبلاً عبارت « سکوت » را درباره رفتار خود به کار برده بود در این خصوص نیز توضیحاتی داد و در پاسخ به این سوال که علت سکوت شما در این برهه از زمان چیست ؟ گفت :

« پس از رفتن شاه و آمدن آقای خمینی و تصدی ایشان به مقام حکومت ، دیگر نیازی به این که ما به صورت قبل اقدامی داشته باشیم ، نیست چون واقع این است که من به آقای خمینی اطمینان کامل دارم و کارهای ایشان را تایید می‌کنم ، بنا هم بر این است که ما ساکت باشیم و

هرجا که خطا دیدیم به ایشان بگوییم ، چون انصاف خوب رفتار می‌کنند . واقعیت این است که ایشان وارث یک مملکت فقیر و آشفته و پر هرج و مرجی است . به نظر ما خوب رفتار می‌کنند ، دارند کار و خدمت می‌کنند ، بنابراین باید دست ایشان را باز بگذاریم ، نهایت هرجا که دیدیم - خدای نکرده - خطایی ، اشتباهی ، قصوری شد ، تذکر می‌دهیم .

نظر من از بیان کلمه « سکوت » این بود که فعالیت ظاهری در حالی که امام در حال پیشروی هستند ، نداریم ؛ مثلاً وقتی ایشان دولتی انتخاب کردند دیگر معنی ندارد که ما هم دولتی تشکیل بدهیم ، این کار صحیح نیست . وقتی ایشان دولتی تشکیل دادند ، به نظر ما



آیت الله سید صادق روحانی

تشخیص شان هم درست بوده و ما هم آن دولت را تایید می‌کنیم . مراد ما از سکوت این نیست که بکلی از کار کنار کشیده باشیم . «

آیت الله روحانی در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره روابط خارجی ایران ، به سفر جلود به ایران اشاره کرد و گفت : « سفر جلود نخست وزیر لیبی به ایران برخلاف میل ما بود و در نظر داشتیم وی را تا زمانی که لیبی امام موسی صدر را زنده یا مرده تحویل ندهد ، به عنوان گروگان نگه‌داریم . » (۹)

۱۵۴

استانداران کشور پس از شرکت در کنفرانس چند روزه که برای بررسی مسائل و مشکلات موجود در استان‌ها در وزارت کشور تشکیل شده بود (خبر ضمیمه دارد) ، عصر امروز با امام خمینی دیدار کردند . در این دیدار وزیر کشور تقاضا و خواست استانداران را درباره کمیته‌ها ، کشت و کار کشاورزی ، تملک اراضی بایر و کشاورزی و مواد مخدر بیان کرد . وی در خصوص کمیته‌ها گفت : « آقایان استانداران وجود کمیته‌ها را لازم و ضروری تشخیص دادند چون در شرایط فعلی برای حفظ نظام و تعقیب مسائلی که مربوط به رژیم قبلی است ، کمیته‌ها بهتر می‌توانند عمل کنند ، ولی از طرفی به علت عدم وجود هماهنگی بین اعضا و نیز نبودن اصول و مقرراتی که طبق آن عمل نمایند ، مزاحمت برای کار آقایان به وجود می‌آورند و در پاره‌ای از موارد دچار اشکالات زیادی می‌گردند که بیان انواع اشکالات تزییع وقت خواهد بود . »

امام خمینی در پاسخ وزیر کشور فرمودند : « راجع به کمیته‌ها که در حقیقت سنگرهایی برای

مملکت به شمار می‌روند ، به وسیله همین‌ها بود که آن سد بزرگ را شکستیم ، مورد تایید ما هستند . لکن تصفیه آن لازم و ضروری است . من هم متأسفم که در پاره‌ای از موارد کمیته‌ها آن طور که باید مفید نیستند و ضرر دارند ، اما این موجب نمی‌شود که ما دست از این کمیته‌ها برداریم . ما علاوه بر ارتش ، این سربازان ملی و پاسداران ملی را در مملکت لازم داریم ، بنابراین کمیته‌ها را باید اصلاح نمود و این با افراد حوزه علمیه و شورای انقلاب و آقایان است که طرح بریزند و با فرستادن اشخاصی به نقاط مختلف مملکت ، کمیته‌ها را اصلاح و تصفیه نمایند . » (۱۰)



حجت الاسلام سید محمود دعایی

اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق

۱۵۵

حجت الاسلام سید محمود دعایی - که

زمانی از عراق برنامه رادیویی "روحانیون مبارز" را علیه رژیم شاه اجرا می‌کرد - به عنوان اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق منصوب شد. به نوشته روزنامه اطلاعات، در حالی که هنوز عده‌ای از سفرای ایران در خارج از کشور بی توجه به احضار رسمی وزارت امور خارجه ایران به کشور باز نگشته‌اند، وزارت امور خارجه ۱۵ سفیر و ۱۰ سرکنسول را انتخاب کرد که پس از تصویب شورای انقلاب بزودی عازم محل ماموریت خود خواهند شد. در میان این ۳۵ نفر تنها یک نفر خارج از کادر وزارت امور خارجه انتخاب شده که وی نیز یک روحانی است و به عنوان سفیر ایران در بغداد منصوب شده است. برخی از کشورهایی که وزارت امور خارجه برای آنها سفیر یا سرکنسول انتخاب کرده عبارتند از: هند، پاکستان، اندونزی، فیلیپین، آلمان غربی، امریکا و انگلستان. (۱۱)

۱۵۶

دکتر "مبشری" وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای با خبرنگار صدا و سیمای ایران به تشریح روابط سناتور "جاکوب جاویتس" سناتور جمهوری خواه و صهیونیست معروف با رژیم گذشته پرداخت. سناتور مذکور از جمله شخصیت‌های امریکایی است که علیه نظام جدید ایران فعالانه می‌کوشد. مبشری گفت:

بر اساس اسناد موجود، خانم "جاویتس" که تحت عنوان برنامه‌های روابط عمومی هواپیمایی ملی ایران قرارداد یک ساله‌ای به مبلغ ۵۰۷۵۰۰ دلار امریکایی با مقامات ایرانی منعقد کرده بود، نقش واسطه مقامات ایرانی و شوهرش جاکوب جاویتس را ایفا می‌کرد. نامه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد قراردادی با خانم جاویتس امضا شده است. در حاشیه این نامه، "راجی" به "هویدا" نخست وزیر سابق می‌نویسد: «طرح تبلیغاتی همکاری خانم جاویتس تقدیم می‌گردد تا به شرف عرض ملوکانه برسد. به نظر بنده انجام این طرح یعنی طرحی که میلیون‌ها تومان به این شخص بدهند که در اروپا و خارج تبلیغ کند که شاه خیلی خردمند است و صلح جهان را این فرد نگاه داشته است. آقای "راجی" بابت این کار به نخست وزیر نوشته که به نظر بنده انجام این طرح به صلاح است حتی اگر تنها نتیجه آن ریختن پولی به جیب خانم جاویتس باشد. استدعا می‌کنم در مورد دو رقمی که پیشنهاد شده، یکی ۷۹۵۰۰۰ دلار و دیگری یک میلیون و دو هزار دلار نیز اوامرتان را ابلاغ فرمایید.»

دکتر مبشری افزود: خیلی بامزه است که می‌نویسند همین که این پول به جیب این خانم ریخته شد این سعادت است برای ایران! همچنین سپهبد "دکتر ایادی" به هویدا می‌نویسد: «اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در مورد همکاری خانم جاویتس با دولت شاهنشاهی فرمودند چون اینها یهودی هستند باید محرمانه باقی بمانند.» این کسی است که می‌گفت ما با یهود بد هستیم و به نفع اعراب کار می‌کنیم. تیمسار سپهبد دکتر ایادی در نامه دیگری به هویدا می‌نویسد: «پیرو نامه‌ای که درباره پیشنهاد خانم جاویتس همسر سناتور جاویتس دایر بر همکاری شرکت روابط عمومی با دولت شاهنشاهی به پیشگاه همایونی تقدیم شده بود، اکنون

والاحضرت شاهدخت " اشرف پهلوی " می‌فرمایند که معظم له در این باره به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر مرقومه‌ای تقدیم داشتند مبنی بر این که اجازه فرمایند این همکاری با شرکت پیشنهادی مستقیم از تهران انجام پذیرد تا نه فقط جواب گویی در مقابل اظهارات و تعبیرات مخالفین در امریکا باشد بلکه در موقعی که خود والاحضرت نیز در نیویورک تشریف دارند بتوان با تماس‌های شخصی که دارند برای استفاده‌های تبلیغاتی به نفع کشور از او استفاده شود . «

دکتر مبشری در ادامه مصاحبه خود گفت : باز نامه دیگری که خیلی مهم است و هویدا به پیشگاه مبارک نوشته است که همه آن جالب است : « خانم جاویتس همسر سناتور جاویتس سناتور ارشد ایالت نیویورک نامه‌ای به چاکر [یعنی به هویدا] نوشته که طی آن پیشنهاد نمود ایران برای شناساندن بیشتر و بهتر تحولات همه جانبه اخیر خود (یعنی سوزاندن مردم و بردن تمام مخازن تحت الارض و سطح الارضی و غیره به مردم امریکا) ، روشن ساختن اذهان عمومی نسبت به هدف‌های واقعی سیاست خارجی و اقتصاد ایران ، عرضه داشتن امکانات بازرگانی و جهانگردی ایران به مردم آن کشور ، با یک شرکت روابط عمومی که خود خانم جاویتس نیز با آن همکاری دارند مذاکراتی در جهت امضا قرارداد انجام گردد . به نظر چاکر پیشنهاد خانم جاویتس دارای محاسنی است و در صورتی که اراده ملوکانه تعلق گیرد می‌توان از آن بهره برداری‌های موثری نمود . خاطر خطیر شاهانه مستحضر است از زمانی که قیمت نفت افزایش یافته ، جراید و وسائط ارتباط جمعی در جهان توجه خیلی بیشتری به کشورهای تولیدکننده نفت می‌نمایند و در خیلی از کشورها و بخصوص در امریکا کوشش شده تا کلیه گرفتاری‌های مالی دنیای غرب و حتی تورم جهانی را صرف به این افزایش قیمت نفت نسبت دهند . اخیر هم راجع به خریدهای نظامی ایران در بعضی از روزنامه‌ها تعبیراتی شده و اظهارات مخالف عده‌ای از سناتورها نقل گردیده . وجود یک سازمان مجهز و مطلع در امریکا که بتواند بدون هیچ گونه ارتباطی با ایران به زبان و به نحوی که برای مردم امریکا محبوبیت بیشتری داشته باشد نظرات ایران را به طور صحیح منعکس سازد و راس در رفع شبهه‌ها و تعبیراتی که ممکن است بر اشاعه اخبار پیش آید فوراً اقدام نماید ، دارای ارزش است . خیلی روشن [وابستگی اش] به ایران معلوم نباشد ولی هدفش نشان دادن ترقیات ایران و عظمت شاهنشاه باشد . « (۱۲)

۱۵۷

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به قطع‌نامه ۱۷ ماهه سنای امریکا که در محکومیت ایران و دادگاه‌های انقلاب صادر شده بود ، از این کشور خواست تا اعزام " کاتلر " سفیر جدید خود به تهران را که علیه جمهوری اسلامی موضع گیری کرده بود ، به تاخیر اندازد . در اطلاعیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آمده است : « دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه فوق العاده مورخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ بعد از استماع گزارش وزیر امور خارجه در مورد رویدادهایی در روابط دولت امریکا با ایران و بررسی پیام مورخ بیستم ماه مه ۱۹۷۹ آقای " سایروس ونس " وزیر امور خارجه امریکا که توسط کاردار سفارت امریکا در ۲۵ اردیبهشت ماه

۱۳۵۸ به وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تقدیم شده و با توجه به قطعنامه‌ای که در ۱۷ ماه مه ۱۹۷۹ در سنای امریکا به تصویب رسیده است، مقرر داشت که این مراتب توسط وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام گردد: قطعنامه هفدهم ماه مه ۱۹۷۹ سنای امریکا درباره ایران دخالت آشکار و غیرقابل انکار مقامات حاکمه امریکا در امور داخلی ایران محسوب می‌شود و دولت ایران به این رویه سنای امریکا شدید اعتراض می‌نماید. قطعنامه سنای امریکا تناقض آشکار با روابط دوستانه میان دو ملت ایران و امریکا دارد و با مفاد نامه وزیر امور خارجه امریکا مبنی بر تمایل دولت امریکا به حفظ روابط دوستی میان دولتین ایران و امریکا مغایرت کامل دارد. « در یادداشت وزارت امور خارجه ایران همچنین تاکید شده است: « ادامه چنین رویه خصمانه‌ای از جانب مقامات مسئول امریکا باعث شد دولت ایران زیر فشار افکار عمومی خلق ستم‌دیده مجبور شود روابط خود را با امریکا در جهت محدود نمودن آن تجدید نظر نماید. « به نوشته روزنامه کیهان، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین به طور شفاهی به کاردار سفارت امریکا اطلاع داد که نظر دولت ایران است که آقای سفیر کبیر امریکا مسافرت خود را تا روشن شدن جو سیاسی به تعویق بیندازد. (۱۳)

۱۵۸

دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به نامه سایروس ونس وزیر امور خارجه امریکا نامه‌ای خطاب به وی فرستاد. متن کامل نامه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

جناب آقای وزیر امور خارجه

دریافت نامه مورخ سیزدهم مه ۱۹۷۹ (یکشنبه ۱۳۵۸/۲/۲۳) آن جناب موجب خوش وقتی گردید. از تبریکات و آرزوهای که به مناسبت انتخاب این جانب به سمت وزیر امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران ابراز فرموده‌اید، سپاسگزارم و مایلم متقابلاً به شما اطمینان بدهم که جمهوری اسلامی نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور آماده همکاری می‌باشد.

از خبری که در مورد انتصاب آقای "کاتلر" به سمت سفیر ایالات متحده امریکا در تهران به من داده‌اید متشکرم و امیدوارم به محض مساعد شدن فضای روابط دیپلماتیک دو کشور، ایشان بتوانند به ایران آمده وظایف خود را شروع کنند. من از عقیده شما مبنی بر لزوم تبادل نظر کامل و صادقانه، خواه به طور مستقیم و خواه به وسیله نمایندگان دو کشور، استقبال می‌کنم و در چارچوب این فکر مایلم مطلب زیر را با شما در میان بگذارم و توجه خاصتان را نسبت به آن جلب نمایم.

جناب آقای وزیر امور خارجه! شما در نامه خودتان نوشته‌اید که دولت متبوعتان قصد دارد به هیچ گونه در امور داخلی ایران مداخله ننماید. من از این تصریح متشکرم، اما ناگزیرم بگویم که

به نظر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع‌نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۹ (پنج شنبه ۱۳۵۸/۲/۲۷) سنای کشور شما در مورد مجازات جنایتکاران رژیم سابق به هیچ وجه از اصل فوق پیروی نمی‌کند و از مصادیق بارز مداخله در امور داخلی کشور ما می‌باشد و ناگزیر دولت ایران نسبت به این رویه قطع‌نامه سنای امریکا شدید اعتراض می‌نماید. برای ملت ایران مایه تعجب است که چگونه سنای امریکا هنگامی که رژیم گذشته جوانان ما را بی پروا به خاک و خون می‌غلتاند، ساکت می‌ماند و احساس نمی‌کرد که حقوق بشر در ایران نقض شده است، اما اکنون که انقلاب پیروز شده و جنایتکاران، بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های مذهبی آنان، به سزای اعمالشان می‌رسند، فریاد نقض حقوق بشر را در کشور ایران بلند کرده و از کسانی که برای بیش از نیم قرن شرم‌آورترین جنایت را مرتکب شده‌اند پشتیبانی نماید!

جناب آقای وزیر امور خارجه! یقین دارم که جناب عالی به خوبی وقوف دارید که یکی از هدف‌های اصلی و مستمر انقلاب مردم ایران پایان دادن به هرگونه دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورشان است. در چنین شرایطی باید با نگرانی اظهار کنم که اقدام سنای کشور شما نه تنها به ایجاد تفاهم مشترک و مبنایی برای همکاری ثمربخش - که شما در نامه خودتان بدان اشاره کرده‌اید - کمک نمی‌کند بلکه دولت ایران را مجبور می‌سازد که زیر فشار شدید افکار عمومی ملت در روابط خود با دولت امریکا در جهت محدود نمودن آن تجدیدنظر نماید.

به شما اطمینان می‌دهم که دولت متبوع من نیز مایل است با ایالات متحده امریکا روابط نزدیک دوستی و همکاری را براساس حفظ استقلال مملکت و منافع ملی و احترام متقابل برقرار نماید ولی این روابط همان طوری که جناب عالی نیز متذکر شده‌اید باید بر مبنای جدیدی پایه گذاری شود. این مبنا، به نظر دولت من، توجه و احترام به احساسات و خواسته‌های مردم ایران و قبول واقعیات ملهم از انقلاب قهرمانانه آنان می‌باشد.

به شما اطمینان می‌دهم که چنانچه روابط جدید دو کشور ما براساس مبانی فوق بنا شود، زمینه برای همکاری‌هایی که جناب عالی در نامه خودتان بدان اشاره فرموده‌اید مساعد خواهد شد. متقابلاً آرزومندم در آینده فرصتی پیش آید که شما را ملاقات کنم. (۱۴)

۱۵۹

سفارت امریکا در تهران در گزارشی به وزارت امور خارجه آن کشور به امضای "ناس" با طبقه بندی محرمانه و موضوع "ملاقات با دکتر یدالله سحابی" نوشت: «کاردار و کفیل صبح بیستم مه (سی ام اردیبهشت) با دکتر یدالله سحابی وزیر مشاور در امور انقلاب دیدار کرد. سحابی، امریکایی‌ها را با خوش رویی و رفتار موقرانه قدیمی فارسی پذیرفت و در تمام مدت، مذاکرات دوستانه انجام شد. نکات ذیل اهم مطالب است: پس از این که کاردار علاقه امریکا را در مورد روابط حسنه با دولت موقت ایران ابراز داشت و گفت که دولت امریکا درصدد مداخله در امور ایران نیست، سحابی بلافاصله و با رفتار قابل فهمی از حملات رسانه‌های عمومی به دولت امریکا که منجر به ارائه طرح "جاویتس" در مورد ایران گردید، اظهار تاسف کرد. سحابی گفت که

ایران دوره انقلابی را می‌گذراند و دوباره تاکید نمود که دولت "بازرگان" خواهان روابط حسنه با امریکا است. لکن خاطر نشان کرد که مسائل متعددی است که باید میان ایران و امریکا حل شود و بسیار اظهار تاسف نمود که سوء تفاهات باعث تیرگی صحنه عمومی شده است. (گفته شده) که وزیر خارجه ایران با کاردار در مورد این مشکل مذاکره خواهد کرد (یزدی صحبت کرد. رجوع شود به تلگرام ماه سپتامبر در ملاقات بعدی). وی گفت بسیاری از آنچه که در طرح (جاویتس) آمده، درست است و مقداری از آنچه در مطبوعات ایران درج شده نیز صحیح است.

ایران در موقعیت انقلابی است و حتی مسئله ساده‌ای چون گذرنامه جدید هنوز حل نشده است. نقش دادگاه‌های انقلاب، تظاهرات جمعی و سایر جنبش‌ها تمام در حال تغییر است. مشکلات ایران رسیدگی خواهد شد، ولی زمان لازم دارد. کاردار اظهار داشت که اعدام‌ها و محاکمه‌های بدون استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی سبب شده است که امریکا و دیگران راجع به انقلاب ایران بدتر از آنچه که باید، فکر کنند. سحابی با رنج آشکاری در چهره گفت: شما راست می‌گویید، ما خودمان در مورد این اعدام‌ها خوشحال نیستیم، اما چه انتظاری می‌توانید داشته باشید؟ اگر دولت بازرگان در حکومت نباشد، امیدی برای ثبات نیست. (تفسیر: فکر می‌کنیم که او احتمالا حق دارد.) سحابی گفت که این دادگاه‌ها یک پدیده کوتاه مدتی است که دوام نخواهد داشت. دولت موقت می‌خواست که آنها را هرچه زودتر برچیند اما قدری وقت می‌خواهد. کاردار در مورد بافت جدید دولت سوال کرد. سحابی جواب داد که پیش نویس قانون اساسی طی دو هفته منتشر خواهد شد. مجلس موسسان طی ۳۰ تا ۶۰ روز تشکیل خواهد شد. دولت موقت انتظار دارد که مجلس موسسان حداکثر ۴ ماه طول بکشد و به دنبال آن، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس تا پایان سال انجام می‌گیرد. سحابی در مورد ارتباط پاسداران انقلاب با دولت جدید حکومتی گفت این امر حتی اعضای دولت را گیج کرده است. فعلا دکتر چمران (مصطفی) در راس سپاه است اما معاون نخست وزیر نیست.

معاون نخست وزیر "بنی اسدی" ارتباطی با پاسداران انقلاب ندارد. سحابی گفت دفتر خودش، امور انقلاب، مسائل بررسی همه قوانین و هماهنگی آنها با سیستم جدید حکومت خواهد بود. در این رابطه از کفیل به خاطر ارسال نسخه‌ای از قانون اساسی فدرال ایالات متحده، تشکر کرد. پس از صحبت درباره سیستم فدرال، من جمله درباره خط دوگانه بافت‌های دولتی و ایالتی و مالیات فدرال، سحابی گفت که اگر مطلب دیگری در مورد بافت فدرال داشته باشیم، خواهان دریافتش است. دولت موقت در نظر دارد که ایران را به صورت سیستم فدراسیون دولتی درآورد تا کمکی بشود به تسهیل مشکلات قومی و سایر مسائل عدم تمرکز. کاردار گفت که دولت امریکا با کمال میل اطلاعات دیگری خواهد داد. «(۱۵)

ضمیمه خبر شماره ۱۵۴

نخستین کنفرانس استانداران کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حضور مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر، چند تن از وزیران و با شرکت ۲۱ استاندار و ۲ معاون استاندار در تالار

وزارت کشور در روزهای ۲۵ تا ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ برگزار شد. در اولین جلسه این کنفرانس که در ساعت ۸ صبح روز ۵۸/۲/۲۵ تشکیل شد، "احمد صدرحاج سیدجوادی" وزیر کشور سخنانی ایراد کرد و با برشمردن نیازهای مالی، اداری، سیاسی و بهداشتی استان‌ها، ضمن تشریح هدف کنفرانس، در جهت یافتن راه حل مشکلات موجود، چنین پیشنهاد نمود:

پس از اعلام خطوط اساسی طرح‌ها و پیشنهادات و مشکلات و نارسایی‌های هر استان، اقدام به تشکیل کمیسیون‌های رسیدگی و تقسیم کار گردد تا با ادامه بحث در این کمیسیون، ارجاع امور به این جلسات که بیشتر جنبه تخصصی خواهد داشت به نتایج موثر و سریع تری دست یابیم و این برنامه را تا صدور قطع‌نامه و اختتام کنفرانس دنبال کنیم. کمیسیون‌ها به این شرح پیشنهاد می‌شود: کمیسیون ارائه حقوقی، کمیسیون برنامه ریزی و بودجه، کمیسیون سیاسی و انتظامی، کمیسیون فرهنگی و اجتماعی و کمیسیون کشاورزی و اقتصادی.

سپس مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت آغاز به سخن کرد و با اشاره به مشکلات موجود و تشکیل عجولانه دولت و تفویض اختیارات و وظایف روسای سازمان‌ها و استانداران، گفت:

در مورد افرادی که مامور تحویل گرفتن ادارات می‌کردم، پیش خودم و پس از آن در حضور آقایان وزرا این کار را به عملی که یک ناخدای کشتی در حال غرق نسبت به مسافران انجام می‌دهد تشریح می‌کردم. اغلب ماموریت‌هایی که ما به اشخاص می‌دادیم به این صورت بوده؛ یعنی آنان را به‌امان خدا و به‌امید احساس وظیفه، ایمان، علاقه و میل خدمتگزاری به خلق، به حوزه‌های ماموریت فرستادیم، بدون این که ماموریت دهنده از کم و کیف مشکلات حوزه ماموریت باخبر باشد. باید خدا را شکر کرد که در این دریای پرتلاطم و در این امواج بی‌نهایت، آقایان تشریف بردند و غرق نشدند، مملکت هم غرق نشد و بحمدالله آقایان استانداران توانستند الان در این جا حضور یابند و گزارش مشکلات و نارسایی‌های حوزه ماموریت خود را مطرح کنند.

پس از سخنان نخست وزیر نوبت به مهندس "رحمت الله مقدم مراغه‌ای" استاندار آذربایجان شرقی رسید که طی سخنانی با اشاره به تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت اتخاذ روش‌های متناسب با این تغییرات، گفت: ما در عین حال که انقلاب کرده‌ایم متأسفانه بعضی از روش‌های ما انقلابی نیست. روش کار باید انقلابی باشد، نه این که همه چیز را به هم بریزیم. وی با اشاره به یکی دو نمونه از کارهای غیرانقلابی گفت: مثلاً میلیون‌ها ریال پول تغذیه رایگان بلامتکلیف مانده، وقتی می‌خواهیم از آن استفاده کنیم می‌گویند از این ماده به آن ماده نمی‌شود.

آن گاه دکتر "حبیب داوران" استاندار گیلان طی سخنانی با اشاره به وضعیت نابسامان مدیریت کارخانه‌ها گفت: احتمال این می‌رود که کارخانه‌هایی که با هزار مکافات به راه افتاده‌اند بار دیگر متوقف شوند، زیرا مسئله مدیریت در کارخانه‌ها در حال از بین رفتن است.

“ طاهر احمد زاده ” استاندار خراسان نیز در حاشیه کنفرانس در گفت و گویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات در مورد نحوه عملکرد دولت موقت گفت : دولت تاکنون کوشش کرده که محتوای انقلاب را در پوشش خشک و بدون تحرک و پوسیده دوران طاغوت نگاه دارد ، ولی این پوسته باید شکسته شود و با اتکاء به نیروی خلق ایران برنامه‌های انقلابی به سرعت به مورد اجرا گذارده شود . (۱۶)

دومین روز برنامه کار کنفرانس استانداران سراسر کشور با حضور روسای شهربانی و ژاندارمری در ساعت ۸ صبح روز ۲۶ اردیبهشت انجام شد و مسائل مربوط به نیروهای انتظامی و چگونگی انتقال قدرت به آنها ، مبارزه با مواد مخدر و بیکاری مورد بحث قرار گرفت .

اولین سخنران جلسه امروز کنفرانس استانداران ، مهندس مقدم مراغه‌ای استاندار آذربایجان شرقی بود که درباره ارتباط دستگاه‌های دولتی با مردم ، صحبت کرد و گفت : بنده اجازه می‌خواهم به طور مقدمه در یک مورد اعتراض و گله کنم . اعتراض من به رادیو - تلویزیون است ، اعتراض و یا گله من از جهت پخش اخبار مربوط به کنفرانس استانداران است . وی گفت : چون بنده به عنوان یکی از استانداران از طرف همکاران صحبت کردم ، رادیو - تلویزیون سخنان بنده را سانسور کرده است . (۱۷)

تیمسار “ مجللی ” رئیس شهربانی کل کشور در این جلسه درباره وضعیت نیروهای شهربانی گفت : بر اثر انقلاب ، پرسنل شهربانی متلاشی شد ، در حال حاضر ما با ۷۰ درصد پرسنل مشغول به کاریم ، بقیه تحت تعقیب می‌باشند . شهربانی در نظر دارد برای تکمیل کادر خود عده‌ای جوانمرد استخدام کند ؛ این گروه - که برای هیجده ماه به استخدام شهربانی در می‌آیند - امور انتظامی شهرها را به عهده خواهند داشت . علاوه بر آن در نظر داریم گروهی پاسدار دیپلمه با حقوق و مزایای مکفی استخدام کنیم .

دکتر “ حمید بهرامی ” استاندار کرمان ناطق بعدی جلسه بود که با اشاره به ضعف نیروهای انتظامی در منطقه ، گفت : من معتقدم که باید پاسداران و افراد نیروی انتظامی با یکدیگر همکاری کنند . اسلحه را نباید به افراد غیر مسئول بدهیم . (۱۸)

دکتر “ ابراهیم یونسی ” استاندار کردستان نیز طی سخنانی گفت : در این استان ، ما کارخانه نداریم ولی با اجرای طرح‌های ضربتی توانسته‌ایم مقداری از کارها را راه بیندازیم و کارگران را در راهها و جاده‌ها به کار گرفته‌ایم .

تیمسار مدنی استاندار خوزستان نیز گفت : مشکل بیکاری استان خوزستان زاییده توقف فعالیت‌های کشاورزی ، صنعتی و بازرگانی است که از توقف تلاش‌های ملی و یا دولتی سرچشمه می‌گیرد .

“ طاهر احمدزاده ” استاندار خراسان خطاب به وزیر کار و امور اجتماعی گفت : اگر اختیارات لازم را به استانداران بدهید ، برایتان هیچ مشکل بیکاری به وجود نخواهیم آورد . با بررسی‌هایی که در مورد علل مهاجرت روستاییان صورت گرفته ، معلوم شده که روستاهای ما بیش از حد

تصور به کار احتیاج دارند. (۱۹)

دکتر "عالی" استاندار لرستان نیز با اشاره به مشکلات استان خود، گفت: در لرستان اکثراً اسلحه دست مردم است و به چند مسئله باید توجه شود که عبارتند از: مسئله بازرسی، مسئله ارتباطی، مسئله کمبود هلی‌کوپتر و نفربرهای ارتشی. وی در ادامه سخنانش گفت: باید به نفرات تعلیمات دینی و ایمانی آموخت چه به وسیله روحانیون و چه کسان دیگری که صلاحیت داشته باشند؛ این کار روحیه پرسنل را تقویت می‌کند. وی گفت: با افزایش بیمارستان‌ها برای مبارزه با اعتیاد کاری از پیش نمی‌رود؛ برای جلوگیری از این بلای خانمان سوز باید از آیات عظام یاری جست و مصرف مواد مخدر باید تحریم شود، این تحریم به عنوان وظیفه شرعی باید مورد توجه قرارگیرد؛ دیگری تدریس مضرات آن به طور کلاسیک به وسیله آموزش و پرورش؛ سوم مبارزه با قاچاق [که منظورش هرئین بود] از طرف مامورین انتظامی. وی افزود: در سال‌های آینده باید کشت مواد مخدر بشدت محدود گردد. (۲۰)

سومین روز برنامه کار کنفرانس استانداران سراسر کشور، در خصوص موضوعات محوری خلع سلاح عمومی و مسائل مربوط به پاکسازی ادارات، در صبح روز ۲۷ اردیبهشت ادامه یافت. در ارتباط با موضوع خلع سلاح عمومی که در جلسه محرمانه مورد بحث قرار گرفت، مهندس احمد مدرسی زاده استاندار بوشهر به خبرنگار اطلاعات گفت: در اولین فرصت ممکن طرح خلع سلاح را در استان بوشهر به مورد اجرا می‌گذاریم و افراد غیرمسئول در اولین فرصت خلع سلاح می‌شوند. (۲۱)

چهارمین روز کنفرانس استانداران کشور در صبح و بعدازظهر روز ۵۸/۲/۸ برگزار شد. در نشست صبح که با حضور "معین فر" وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه انجام شد، مشکلات مناطق مختلف کشور مورد بررسی قرار گرفت و هر یک از استانداران به تشریح نیازها و برنامه‌های خود پرداختند و برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود درخواست‌هایی را اعلام نمودند که سرپرست سازمان برنامه و بودجه پاسخ‌های لازم را به آنها داد. در نشست بعدازظهر، مسائل مربوط به سازمان زنان و اهداف و روش‌های آن و مسئله پیشاهنگی و نحوه سازمان دهی آن در استان‌ها بررسی شد. (۲۲)

پنجمین و آخرین روز کنفرانس سراسری استانداران کشور صبح روز ۵۸/۲/۲۹ برگزار شد. در این نشست، استانداران پس از پنج روز بحث و گفت‌وگو با صدور قطع‌نامه‌ای نظریات خود را در خصوص مسائلی از قبیل بیکاری، کشاورزی، صنایع و معادن، مسکن و شهرسازی، عمرانی، پلیس و ژاندارمری، مواد مخدر، شهرداری‌ها، کمیته‌های انقلاب، خلع سلاح عمومی و پاکسازی، به دولت توصیه کردند. در مورد خلع سلاح ضمن تاکید بر لزوم تشکیل و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد کادرهای ثابت و افتخاری برای سپاه مزبور، اعلام شد که چنانچه در استانی خلع سلاح عناصر بی صلاحیت ضروری تشخیص داده شود، به دعوت و تحت نظر استاندار یا فرماندار محل کمیسیونی تشکیل و نسبت به خلع سلاح فرد یا افراد مورد نظر اتخاذ

تصمیم گردد. درباره کمیته‌های انقلاب نیز خواسته شد: نسبت به تعیین حدود اختیارات کمیته‌های انقلاب اسلامی تا زمان انحلال آنها اقدام گردد. (۲۳)

منابع و ماخذ روز شمار ۱۳۵۸/۲/۳۰

- ۱- روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۲.
- ۲- ماخذ شماره ۱، ص ۷، خبرگزاری یونایتدپرس.
- ۳- ماخذ شماره ۱، ص ۶.
- ۴- سند شماره ۰۹۰۳۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش مامور دفتر هماهنگی مناطق سپاه به مرکز.
- ۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۳.
- ۶- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۲.
- ۷- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۷.
- ۸- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۱۱.
- ۹- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۸، روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۳۱، ص ۱.
- ۱۰- ماخذ شماره ۱، ص ۱ تا ۸.
- ۱۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۱.
- ۱۲- ماخذ شماره ۱، ص ۳.
- ۱۳- ماخذ شماره ۱، ص ۲.
- ۱۴- دانشجویان پیروخطامام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۶۳ (تهران: نشر لانه، بی تا) ص ۹۶-۹۸.
- ۱۵- دانشجویان پیروخطامام، اسناد لانه جاسوسی امریکا، جلد ۱۸ (تهران: نشر لانه، بی تا) ص ۹۷-۹۸.
- ۱۶- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۵، ص ۲.
- ۱۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۶، ص ۲.
- ۱۸- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۲.
- ۱۹- ماخذ شماره ۱۷، ص ۲.
- ۲۰- ماخذ شماره ۱۸، ص ۲.
- ۲۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۷، ص ۲.
- ۲۲- ماخذ شماره ۱۱، ص ۳.
- ۲۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱، ص ۴.